

اخبار

ستاد بزرگ‌داشت عروج رهبر شهید اعلام کرد برگزاری مراسم وداع تشییع‌وتدفین بعداز دهه‌اول محرم

ستاد بزرگ‌داشت عروج رهبر شهید حضرت آیت‌الله‌خامنه‌ای (ره) در اطلاعیه شماره ۲ خود اعلام کرد: مراسم وداع، تشییع و تدفین آن یگانه دوران بعد از دهه اول محرم و هماهنگی‌های نهایی دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برای خدمت‌رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار برگزار خواهد شد.

به گزارش ایسنا، متن این اطلاعیه به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

با توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده انجام‌شده برای برگزاری باشکوه مراسم وداع، تشییع و تدفین امام مجاهد شهید حضرت آیت‌الله‌العظمی‌خامنه‌ای قدس‌الله‌نفسه‌الزکیه و شهدای خانواده رهبر انقلاب اسلامی، به اطلاع می‌رساند گمانه‌زنی‌ها و شایعات منتشرشده در فضای رسانه‌ای داخل و خارج کشور درخصوص زمان و جزئیات مراسم مذکور که موجب ابهام بسیاری از علاقه‌مندان به حضور در این رویداد عظیم شده، فاقد اعتبار است. با عنایت به سیره رهبر شهید انقلاب اسلامی اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف در اقامه عزای سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین‌علیه‌السلام و اهمیت برپایی عزاداری‌های این ایام در اقصی نقاط ایران و جهان، مراسم وداع، تشییع و تدفین آن یگانه دوران بعد از دهه اول محرم و هماهنگی‌های نهایی دستگاه‌های مسئول و گروه‌های مردمی برای خدمت‌رسانی شایسته به مردم عزیز عزادار برگزار خواهد شد. جزئیات این مراسم متعاقبا در فاصله زمانی مناسب توسط این ستاد اعلام خواهد شد.

سخنگوی دولت پاسخ داد

آبادرتابستان باقطع برق مواجه خواهیم شد؟

سخنگوی دولت با بیان اینکه ساختار بودجه براساس برنامه‌های توسعه‌ای از پیش تعیین‌شده طراحی و تنظیم خواهد شد، یادآور شد: دولت از ابتدای کار با توجه به پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته، برنامه مقاومت‌سازی اقتصادی را به هیئت وزیران ارائه کرد و چنانچه با توجه به شرایط جنگی نیاز به انجام اصلاحاتی در بودجه باشد، حتما این اقدام صورت خواهد گرفت. مهاجرانی در ادامه درباره تبادل آتش اخیر بین ایران و رژیم اسرائیل که در عملیات نصر صورت گرفت، اظهار کرد: ایران و لبنان نیابتی یکدیگر نیستند ولی دشمن مشترکی دارند. دشمن با ما دشمنی تمدنی دارد. دشمنی که هم نابودی لبنان را می‌خواهد و هم تجزیه، تضعیف و بی‌هویتی ایران را در سر می‌پروراند. هم مسیر دیپلماسی و هم مسیر بهره‌گیری از قدرت دفاعی، به‌طور کامل برای احقاق حقوق مردم ایران به کار گرفته خواهد شد و در این مسیر از هیچ ابزاری فروگذار نخواهیم کرد. وی با بیان اینکه مسیر دیپلماسی و قدرت دفاعی در خدمت استیفای حقوق مردم است و در این مسیر خواهد ماند، ادامه داد: ما تمام توان خود را برای این به کار می‌گیریم. تیم دیپلماسی آگاه به میدان هستند، ازجمله آقای قالیباف که فرمانده جنگ اخیر اظهار کرده و آقای عراقچی که از رزمندگان جنگ است. از این‌رو، هیئت مذاکره‌کننده، هم میدان را به خوبی می‌شناسد و هم با دیپلماسی آشناست. برای تیم دیپلماسی آرزوی توفیق و برای کسانی که با قدرت پای لانچر می‌روند و قدرت ایران را به دنیا نشان می‌دهند، آرزوی سلامت رسیدگی به وضعیت آسیب‌دیدگان جنگ اخیر اظهار کرد: اقامت خارج از منزل، در منزل یا در منزل دیگران، برای کسانی که خانه‌هایشان را در دست داده‌اند، بسیار دشوار است. این موضوع به‌صورت جدی در حال پیگیری است و با توجه به واگذاری وظایف مربوطه و تأمین بودجه صورت‌گرفته، مطالبات این عزیزان را پیگیری می‌کنیم و امیدواریم هرچه زودتر مسائل آنان را مرتفع کنیم. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره موضوع تأمین پایدار برق، به‌ویژه در فصل تابستان، با توجه به چالش نانوآرزی مبلغ اسفندگانه برق، پیش‌بینی قطع‌شدن ساعات سهمیه‌بندی خاموشی برای منازل، هم‌اکنون میسر نیست. این میزان به عوامل متعددی ازجمله شدت گرمای هوا، میزان همراهی و همکاری مشترکان در مدیریت مصرف و میزان موفقیت در اجرای برنامه‌های توسعه ظرفیت نیروگاهی و تعمیرات اساسی بستگی دارد. وی تأکید کرد: کاهش ۱۰ درصدی مصرف مشترکان می‌تواند وضعیت بسیار بهتری در تأمین برق ایجاد کند. تقسیم و برنامه‌ریزی فشار ناشی از این ناترازی بین بخش‌های مختلف، ازجمله خانگی و تولیدی، براساس یک رویکرد چندوجهی صورت می‌گیرد که شامل اقدامات در دو حوزه اصلی تولید و توسعه ظرفیت نیروگاهی است. وزارت نیرو به‌عنوان متولی اصلی با تمام توان در تلاش است با همراهی مردم و تلاش شبانه‌روزی کارکنان خود، شاهد حداقل خاموشی‌ها باشیم. امید است با همکاری همگانی، این چالش فصلی را با موفقیت پشت سر بگذاریم. مهاجرانی در پاسخ به پرسشی درباره افزایش مبلغ کالابریک، تصریح کرد: دولت به‌شدت علاقه‌مند است به اینکه کالابریک از افزایش مبلغ کالابریک، معصرف نشود. دولت به‌شدت علاقه‌مند نکرده‌ایم، انجام طرح به تزلزل آن منجر می‌شود. سخنگوی دولت ادامه داد: ما در راستای مهار تورم به‌صورت بنیادین که همان کاهش وابستگی و استقرار از بانک مرکزی است و نیز اصلاح ترازنامه بانک‌ها در حال تلاش هستیم. در زمینه مدیریت هوشمند پارانه‌ها نیز تلاش می‌کنیم که این امر برای اقشار آسیب‌پذیر به هدف برسد. پارانه‌ها باید به کسانی اختصاص یابد که در این مبالغ در معیشت و زندگی آنان نقش‌آفرین باشد.
باین‌حال، با توجه به موضوعات متعدد و دستورات صادرشده از سوی رئیس‌جمهوری، بحث درباره شش دکل اول باید به‌صورت ویژه بررسی شود. مهاجرانی تصریح کرد: دولت در راستای حمایت هدفمند از دهک‌های آسیب‌پذیر، کار را دنبال می‌کند و دستور رئیس‌جمهوری پیداکردن منبع پایدار برای افزایش رقم کالابریک است. وی با اشاره به اینکه حذف پارانه برخی دهک‌ها با «مدیریت هوشمندانه» آنها پیوند دارد، تأکید کرد: در این زمینه دو ابزار یا سازوکار برای شناسایی وجود دارد: نخست، سامانه رفاه ایرانیان و دوم، طراحی «یوروفایل اقتصادی» که در حال انجام است. هدف اصلی دولت این است که رقم پارانه به دست کسانی برسد که در معیشت و زندگی آنان نقش معناداری داشته باشد و پدرستی توزیع شود.



واکاوی ابعاد نظامی

واکاوی ابعاد نظامی، دفاعی وامنیتی جنگ ۱۲روزه در آستانه نخستین سالگرد آن درگفت‌وگو با دکتر حسین علایی

داستان جنگی که ادامه دارد

علایی: مذاکرات قبل از جنگ ۱۲روزه، عملیات فریب راهبردی بود

عبدالحمن فتح‌اللهی: در آستانه نخستین سالگرد جنگ ۱۲روزه، بازخوانی آن رویارویی دیگر صرفاً رجوع به یک رخداد تاریخی نیست، بلکه تلاشی برای فهم وضعیتی است که ایران و منطقه همچنان در دل آن به سر می‌برند. اگرچه جنگ ۱۲روزه در ظاهر با آتش‌بس سوم تیر ۱۴۰۴ پایان یافت، اما تحولات ماه‌های بعد نشان داد که آن درگیری نه نقطه پایان یک بحران، بلکه نقطه آغاز دوره‌ای تازه از بی‌ثباتی و تنش تحمیلی به ایران بود؛ دوره‌ای که با وقوع جنگ ۱۲روزه در نهم اسفند ۱۴۰۴ وارد مرحله‌ای جدید شد و روشن کرد که آتش‌بس پس از جنگ نخصت (۱۲روزه)، بیش از آنکه به صلحی پایدار منجر شود، به وقفه‌ای موقت میان دو دور از رویارویی از تابستان تا زمستان سال گذشته شباهت داشت و این وضعیت جنگی کامکان با ورود به سال جدید هم ادامه دارد. از این منظر، فضای کنونی را باید نه شرایط پسا‌جنگ، بلکه وضعیتی میان جنگ و صلح توصیف کرد؛ وضعیتی که در آن، آتش‌بس همچنان شکننده است و سایه درگیری بر معادلات امنیتی منطقه سنگینی می‌کند. در چنین بستری، یکی از مهم‌ترین ابعاد جنگ ۱۲روزه به حوزه نظامی، امنیتی و اطلاعاتی بازمی‌گردد؛ حوزه‌ای که هنوز هم محل مناقشه و پرسش‌های جدی است؛ اینکه آیا ایران در آغاز آن جنگ با غافلگیری اطلاعاتی و عملیاتی مواجه شد؟ آیا برآورده‌های امنیتی موجود توان پیش‌بینی ابعاد و زمان‌بندی حملات را داشتند؟ و مهم‌تر از همه، تجربه آن جنگ چه تصویری از نقاط قوت و ضعف ساختارهای اطلاعاتی، پدافندی و بازدارندگی کشور ارائه می‌دهد؟ در عین حال، یک پرسش نظری و راهبردی نیز مطرح است: آیا جنگ ۱۲روزه را می‌توان در چارچوب کلاسیک مفهوم «جنگ» تحلیل کرد یا با الگویی متفاوت از نبرد مواجه بودیم؟ رویارویی‌ای که در آن عملیات نظامی، جنگ اطلاعاتی، حملات سایبری، ترورهای هدفمند، عملیات روانی و فشارهای دیپلماتیک به‌صورت هم‌زمان به کار گرفته شدند و مرز میان میدان نبرد و عرصه سیاست را تا حد زیادی از میان بردند. پاسخ به این پرسش‌ها، در واقع واکاوی ریشه‌های وضعیتی است که یک سال بعد همچنان بر امنیت ایران و منطقه سایه افکنده است. از این‌رو، برای دستیابی به درکی دقیق‌تر از ابعاد نظامی، امنیتی و اطلاعاتی جنگ ۱۲روزه و یافتن جواب‌هایی روشن‌تر برای این سؤالات و دیگر ابهامات مرتبط با آن، به سراغ دکتر حسین علایی رفته‌ایم؛ از فرماندهان باسابقه دفاع مقدس و نخستین فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که سال‌ها در حوزه‌های راهبردی، نظامی و امنیتی به مطالعه و تحلیل مسائل دفاعی کشور پرداخته است. در این گفت‌وگو تلاش کرده‌ایم با بهره‌گیری از نگاه تحلیلی و تجربه میدانی او، رخدادهای جنگ ۱۲روزه به‌عنوان دومین جنگ تحمیلی بر ایران، نحوه آغاز آن، ابعاد اطلاعاتی و عملیاتی درگیری، کیفیت بازدارندگی طرفین و پیامدهای راهبردی آن برای ایران و منطقه را زیر ذره‌بین قرار دهیم. حاصل این گپ‌وگفت، روایتی تحلیلی از یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رخدادهای امنیتی پس از انقلاب است که در ادامه از نظر می‌گذرانید.

-
-
-

جناب علایی، بدون تردید واکاوی ابعاد و زوایای مختلف جنگ ۱۲روزه مستلزم بررسی پیوستار رخداد‌های پیش و پس از آن است و نمی‌توان این جنگ را به‌صورت منفک تحلیل کرد.
بااین حال، در مقام نخستین سؤال باید پرسید که آیا جمهوری اسلامی ایران از هسته‌های نظامی، اطلاعاتی و امنیتی در جنگ ۱۲روزه دچار «غافلگیری» شد؟ این سؤال از آن جهت اهمیت دارد که مقامات ایرانی بارها تأکید کرده‌اند حمله در شرایطی صورت گرفت که تهران خود را در آستانه دور ششم مذاکرات با واشینگتن می‌دید.

گرچه ترامپ قبل از جنگ به‌طور مرتب ایران را تهدید به بمباران می‌کرد، ولی می‌توان گفت انجام پنج دور مذاکره آمریکا با ایران و تعیین زمان مذاکره دور ششم، موجب یک نوع خوش‌بینی در محافل سیاسی مبنی بر فاصله‌گرفتن از جنگ شده بود. اما در هر صورت می‌توان گفت که از نظر عملی، ایران در جنگ ۱۲روزه دچار غافلگیری شد و وزارت امور خارجه از احتمال آغاز جنگ هیچ‌گونه ابراز نگرانی نکرد. از طرفی بسیاری از فرماندهانی که در اولین لحظات حمله اسرائیل به ایران تور شدند، در پناهگاه‌ها و سنگرهای امن به سر نمی‌بردند که بیانگر عدم تصور از شروع جنگ فوری و آن هم در حمله به مراکز غیرنظامی بوده است. باید توجه داشت که شروع حمله اسرائیل به ایران در بمباد روز جمعه ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ با بمباران و پرتاب موشک به اماکن مسکونی و خانه‌های تعدادی از فرماندهان از رزمندگان پاسداران انقلاب اسلامی صورت گرفت؛

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۱۱۹ ۳۶ ۸۶۰

WWW.SHARGHDAILY.IR

ارتباط با روزنامه شرق T.ME/ALOSHARGH

WWW.SHARGHDAILY.IR



واکاوی ابعاد نظامی

به‌طوری که برخی از آنان به همراه خانواده‌هایشان به شهادت رسیدند. البته در لحظه شروع جنگ اسرائیل با ایران، برخی از فرماندهان عالی نیروهای مسلح ازجمله فرمانده کل سپاه پاسداران و فرمانده هوافضا در دفاتر خود مشغول فعالیت بودند که هدف بمباران قرار گرفتند. این وضعیت نشان می‌دهد که آنها از احتمال جنگ مطلع بوده‌اند، ولی نمی‌توان گفت که آنها خود را جزء اولین اهداف اسرائیل در جنگ تلقی می‌کردند؛ زیرا اگر چنین تلقی‌ای وجود داشت، باید در اتاق‌های عملیات زیرزمینی، جهت هدایت عملیات دفاعی مستقر می‌شدند. حتی گفته می‌شود فرمانده کل سپاه (حسین سلامی) خود را برای انجام قبل از شروع جنگ در تماشایی با جمهوری اسلامی ایران آماده کرده بود. اما از احتمال وقوع جنگ مطلع کرده است.

ک گفتید وزارت امور خارجه از احتمال آغاز جنگ هیچ‌گونه ابراز نگرانی نکرد. آیا آن‌گونه که برخی تحلیل‌ها مطرح می‌کنند، روند طی‌شده مذاکرات و رویکردی که تهران در این گفت‌وگوها در پیش گرفته بود، در شکل‌گیری جنگ ۱۲روزه نقش تعیین‌کننده داشت یا آنکه تصمیم برای اجرای چنین حمله‌ای از مدت‌ها پیش اتخاذ شده بود؟ به هر حال شماری از ناظران معتقدند جمهوری اسلامی عملاً راهبرد «مذاکره فرسایشی» یا «مذاکره برای مذاکره» را در دستور کار قرار داده بود و همین مسئله فرصت و بهانه لازم را برای نقش‌آفرینی مغرب اسرائیل و کلید‌خوردن جنگ ۱۲روزه فراهم کرد.

تصمیم به جنگ با ایران به‌عنوان یکی از گزینه‌های ضروری از حدود ۳۰ سال قبل از جنگ ۱۲روزه از سوی اسرائیل اتخاذ شده بود. بر همین اساس، اسرائیل زمینه‌ها و تمهیدات لازم را طی سال‌های متمادی به وجود آورده بود و از نظر اطلاعاتی و عملیاتی خود را برای انجام یک جنگ تمام‌عبار با جمهوری اسلامی ایران آماده کرده بود. اما با روی کار آمدن ترامپ، اسرائیل با یک فرصت طلایی جهت برنامه‌ریزی برای آغاز جنگ با ایران مواجه شد و نتایهاو به‌هیچ‌وجه نمی‌خواست این فرصت مغتنم و ارزشمند را از دست بدهد. از طرفی به نظر می‌رسد هدف آمریکا از مذاکره با ایران نه نیل به یک توافق منصفانه، بلکه وادارکردن ایران به تعطیل‌کردن تأسیسات غنی‌سازی بود. بر همین اساس ترامپ حصراف از مذاکره بر نیل به تقاضم به ایران نمی‌زد، بلکه او عبارت «یا توافق یا بمباران» را تکرار می‌کرد. اسرائیل هم که همیشه نگران تقاضم آمریکا با ایران بود، ترامپ را تشویق به اصرار برای تسلیم بدون قید و شرط ایران می‌کرد، بنابراین عملاً راهبرد آمریکا با اسرائیل بر سازماندهی فضای مذاکرات حاکم بود و آنها به دنبال برداشتن گام‌هایی به منظور آماده‌کردن افکار عمومی برای حمله به ایران بودند. اما راهبرد جمهوری اسلامی ایران در مذاکرات این بود که ضمن اجتناب از جنگ، حق برخورداری از دانش و صنعت هسته‌ای صلح‌آمیز را برای ایران حفظ کرده و در عین حال نگرانی از تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای را برطرف کند. بنابراین می‌توان گفت روحیات و راهبرد ترامپ و نتایهاو که حل مسائل جهانی و منطقه‌ای از طریق روز است، باعث بروز جنگ شد.

ک از منظر دیپلماتیک، تا چه اندازه می‌توان صدور قطع‌نامه ۲۲ خرداد ۱۴۰۴ شورای حکام و ادعاهای مطرح‌شده در آن را عاملی تحریک‌کننده و تأثیرگذار در روند تحولات دانست؟ به‌ویژه آنکه تنها یک روز پیش از آغاز حملات اسرائیل، ژانرس بین‌المللی انرژی اتمی برای نخستین بار در دهه گذشته ایران را به عدم پایبندی به تعهدات هسته‌ای مهم‌تر و در مقابل، تهران نیز اعلام کرد تأسیسات جدید غنی‌سازی هسته‌ای خود به‌عنوان سومین سایت غنی‌سازی را تحت نظارت ژانرس راه‌اندازی خواهد کرد.

در سال‌های اخیر سازمان بین‌المللی انرژی اتمی همواره به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم آمریکا و اروپا جهت تحقق اهداف آنها در حوزه صنعت هسته‌ای عمل کرده است. در واقع صدور این قطع‌نامه اقدامی جهت توجیه جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران بود. در حقیقت صدور این قطع‌نامه که توسط آمریکا و اسرائیل طراحی شده بود، به‌عنوان مقدمه آغاز جنگ ارزیابی شده است که متأسفانه گروسی، مدیرکل ژانرس، آن را تقدیم جنگ‌طلبان کرد.

ک در سطحی عمیق‌تر و فراتر از تحولات مقطعی، آیا می‌توان استدلال کرد که رخداد هفتم اکتبر و عملیات طوفان الاقصی، عملاً معادلات ژئوپلیتیکی منطقه را به‌گونه‌ای بازطراحی و ریل‌گذاری کرد که وقوع جنگ ۱۲روزه به مرحله‌ای اجتناب‌ناپذیر رسید؟

اسرائیل پس از مواجه‌شدن با عملیات طوفان الاقصی سعی کرد تا با حمایت آمریکا و اروپا آن را تبدیل به یک فرصت طلایی جهت از بین بردن حماس و حزب‌الله و دورکردن تهدیدات از بی‌رامون خود کند. نتایهاو طرف دو سال غزه را نابود کرد و صدها هزار نفر از کودکان، زنان و مردان فلسطینی را کشت و همه ساکنان آن را آواره کرد و آنها را در تکنای آب و غذا نگه داشت و جهنم را در برابر منظر جهانی در نوار غزه برپا کرد. سپس بر برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده، دولت دمشق سقوط کرد و اسرائیل دست برتر را در سوریه پیدا کرد. اسرائیل قدرت نظامی سوریه را منهدم کرد و بخشی از سرزمین‌های این کشور علاوه بر جولان را نیز اشغال کرد. بعد به دنبال لبنان رفت و دبیرکل حزب‌الله و بسیاری از اعضای آن را ترور کرد و هزاران نفر از مردم و اعضای حزب‌الله را شهید و زخمی کرد. اسرائیل حدود یک‌ونیم میلیون نفر از ساکنان لبنان به‌ویژه شیعیان را آواره کرد و اراضی جنوبی لبنان را نیز اشغال کرد و حملات روزانه خود به آن کشور را ادامه داد. در چنین وضعیتی به دنبال ایران آمد و با کمک ترامپ جنگ گسترده اسرائیل و آمریکا با ایران را انجام داد تا خیالش از تجاوزگری راحت شود. البته همچنان که گفته شد، برنامه اسرائیل برای جنگ با ایران از سال‌ها قبل از طوفان الاقصی برنامه‌ریزی شده بود، ولی اسرائیل با حمایت بی‌دریغ آمریکا توانست آن را در خرداد سال ۱۴۰۴ به مرحله اجرا درآورد که هنوز نیز ادامه دارد.

ک در این بین گفته می‌شد ایالات متحده پیش از حمله اسرائیل به ایران در حال اجرای یک عملیات فریب راهبردی برای ایران بود؛ به این معنا که واشینگتن در ظاهر بر استعمار مذاکرات هسته‌ای تأکید می‌کرد، اما در پشت پرده از برنامه‌ریزی اسرائیل برای حمله آگاه بود. از منظر نظامی، اطلاعاتی و امنیتی، این خط تحلیلی تا چه اندازه با واقعیت‌های میدانی و اسناد موجود همخوانی دارد؟

شرق

اسرائیل و آمریکا همواره علیه ایران متحد و هماهنگ بوده‌اند. اسرائیل هیچ جنگی را بدون هماهنگی و اخذ مجوز از آمریکا شروع نکرده است. ترامپ و نتایهاو معمولاً با هم در حوزه‌های سیاسی، تبلیغاتی، اطلاعاتی، عملیاتی و نظامی تقسیم‌کار می‌کنند. معمولاً آمریکا غیر از نشان‌دادن چهره خشن نظامی خود، سعی می‌کند با بهره‌گیری از دیپلماسی، چهره مناسبی از خویش را در افکار عمومی نشان دهد. در حالی که چهره جنگ‌طلبی و جنایتکاری اسرائیل همیشه نمایان‌تر است. پیش از جنگ ۱۲روزه نیز آمریکا سعی کرد با انجام چند دور مذاکره، امید به حل مسائل آمریکا با ایران از طریق دیپلماسی را افزایش دهد. این در حالی بود که اسرائیل و آمریکا هم‌زمان خود را برای جنگ با ایران آماده می‌کردند. اطلاعاتی هم که در جریان جنگ ۱۲روزه و بعد از آن از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی منتشر شد، بیانگر طراحی آمریکا و اسرائیل جهت استفاده از مذاکرات به‌عنوان یک عملیات فریب راهبردی بوده است.

ک در پروتو آنچه در جنگ ۱۲روزه رخ داد، این پرسش بیش از پیش برجسته شده است که ایالات متحده برخلاف جنگ ۴۰روزه، در مراحل اولیه وارد یک رویارویی مستقیم نشد و عمدتاً در قالب پشتیبانی پدافندی و سپس اجرای عملیات «چکش نیمه‌شب» ابغای نقش کرد. این تفاوت سطح مداخله را چگونه باید تحلیل کرد و چه عواملی در تعیین این الگوی رفتار نظامی آمریکا در قبال ایران مؤثر بودند؟

تصور آمریکا بر این بود که قدرت و توان نظامی اسرائیل برای تهاجم و جنگ با ایران کافی است و نیازی به مداخله مستقیم ارتش آمریکا در جنگ با ایران وجود ندارد. البته آمریکا در خنثی‌سازی واکنش موشکی و پهپادی ایران علیه اسرائیل نقش اول را بازی می‌کرد و تمامی توان پدافندی آمریکا در اختیار اسرائیل بود. حتی فرماندهی پدافند از اسرائیل بر عهده سنتکام قرار داشت. اما پس از گذشت ۱۰ روز از جنگ، مشخص شد اسرائیل در تحقق اهداف خود ناکام مانده است، هم نظام جمهوری اسلامی بریاست، هم توان نظامی ایران قدرت پاسخ‌گویی به حملات اسرائیل را دارد، هم اسرائیل و آمریکا نمی‌توانند جلوی اصابت تمامی موشک‌های ایران به سرزمین‌های اشغالی را بگیرند، هم بسیاری از تأسیسات هسته‌ای زیرزمینی ایران آسیب ندیده‌اند، هم اسرائیل از مزدورانی که چشم به حضور آنها در خیابان‌ها داشت، ناامید نشده بود و هم کشتار در زندان اوین آبرویی برای اسرائیل باقی نگذاشته بود. از طرفی بسیاری از مردم جهان از حجم جنایات اسرائیل در ایران وحشت‌زده شده بودند. بنابراین آمریکا به این نتیجه رسید که با بهره‌گیری از بمب‌افکن B2، سنسگین‌ترین حملات تاریخی را به تأسیسات هسته‌ای فردو و نظنز انجام دهد تا بتواند هدف جنگ را به انهدام تأسیسات هسته‌ای ایران تقلیل دهد و به دنبال نیل به اهدافش از طریق آتش‌بس و میز مذاکرات باشد.

ک اگر جنگ ۴۰روزه را نیز در چارچوب این بحث مدنظر و ملاک قرار دهیم، از منظر علم و نظریه‌های نظامی، آیا اساساً جنگ ۱۲روزه را باید یک «جنگ» تلقی کرد یا آن‌گونه که برخی ناظران و کارشناسان معتقدند، این رخداد بیشتر در قالب یک معنای کلاسیک «یک جنگ عملیاتی» تعریف می‌شود که هدف اصلی آن حذف طیفی مشخص از فرماندهان، تصمیم‌گیران و ظرفیت‌های نظامی کشور، انهدام مراکز موشکی، هسته‌ای و سامانه‌های پدافندی ایران و همچنین شناسایی مناطق نظامی و هسته‌ای بود؟

حملات ۱۲روزه اسرائیل و آمریکا به ایران مشخصات یک جنگ تمام‌عبار را در خود دارد. از روش‌های کاملاً کلاسیک برای انجام جنگ استفاده شد؛ یعنی تمام سیستم پدافندی ایران در لحظات اولیه جنگ هدف قرار گرفتند. اکثر فرماندهان عالی و میدانی ایران ترور شدند، به اکثر پایگاه‌های موشکی و پهپادی و پایگاه‌های هوایی ایران حمله شد و تمامی مراکز هسته‌ای مرتبط با غنی‌سازی ایران هدف بمباران قرار گرفتند. در جریان جنگ بسیاری از صنایع نظامی و هسته‌ای ایران هدف تهاجم‌ها و بمباران‌های شبانه‌روزی اسرائیل بودند. البته به نیروی دریایی ایران حمله نشد و جنگ در خلیج فارس هم در دستور کار آمریکا و اسرائیل قرار نداشت. به همین دلیل تنگ هرمز باز بود و تردد کشتی‌ها از آن در جریان بود. به هر حال جنگ ۱۲روزه، جنگی با اهداف مشخص و در محدوده معینی بود که با تمام توان نظامی اسرائیل و پهپادی و اطلاعاتی، تسلیحاتی، پدافندی و دیپلماتیک آمریکا و نیز شرکت محدود تهاجمی ارتش آمریکا انجام شد و خسارات فراوانی به بار آورد.

ک پس از پایان جنگ ۱۲روزه، برخی کارشناسان بر این باور بودند که تهران دست‌کم در حوزه «موازنه تهدید» و «موازنه وحشت» موفق شد معادلات را تا حدی به سود خود تغییر دهد. اگر این گزاره را به واقعیت نزدیک بدانیم، پس وقوع جنگ ۱۲روزه را چگونه باید توضیح داد؟ آیا این موضوع تا یکدیگر در تعارض قرار دارند یا آنکه باید آنها را در امتداد و تکمیل یکدیگر تحلیل کرد؟

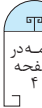
در جنگ ۱۲روزه برای آمریکا و اسرائیل مشخص شد جمهوری اسلامی ایران پایدارتر از آن چیزی است که آنها تصور می‌کرده‌اند. بنابراین آمریکا و اسرائیل به این نتیجه رسیدند که با تداوم جنگ به اهدافشان نمی‌رسند؛ در نتیجه به دنبال نقشه دیگری (Plan B) رفتند تا به گونه‌ای دیگر ایران را از پای درآورند.

ک جنگ ۱۲روزه، با نبرتهای در ادبیات نظامی و امنیتی پس از آن مطرح شد. ظاهراً زمینه‌ساز شکل‌گیری با برجسته‌شدن نوعی ساختار جدید فرماندهی و کنترل در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران شد؛ ساختاری که در جریان جنگ ۴۰روزه با عنوان «فرماندهی موزائیک» از آن یاد شد. آیا چنین الگویی پیش از آن، مثلاً در هشت سال دفاع مقدس هم در ساختار نظامی ایران وجود داشت و صرفاً در این جنگ آشکار شد یا آنکه جنگ ۱۲روزه هم در ساختار موجب تعریف، تکامل و نهادینه‌شدن این الگوی فرماندهی شد؟ اصولاً ماهیت، اهداف و ظرفیت‌های نظامی به کار رفته در این دو جنگ و نیز در جنگ هشت‌ساله با هم متفاوت بودند. در جنگ ۴۰روزه میدان‌دار اصلی جنگ، آمریکا بود که از توان قدرت هوایی، دریایی و موشکی خود علیه ایران استفاده کرد. در حالی که در جنگ ۱۲روزه نوبت یکپان جنگ، اسرائیل بود. در جنگ هشت‌ساله صدام با ایران، تمرکز جنگ در جبهه‌های زمینی و در خطوط مزری بود. در حالی که در این دو جنگ، تمرکز جنگ در تهران و شهرهای بزرگ و متکی بر جنگ‌های دریایی و موشکی و پهپادی بود. فرماندهی موزائیکی برای متکی نبودن فرماندهان میدانی به سلسله‌مراتب هرمی در صورت قطع‌شدن ارتباطات و نیز برای مقابله با نیروهای هوایرد و هلی‌برن طراحی شده‌اند که می‌توانند با استفاده از تجربیات دو جنگ اخیر بهینه و تکمیل شوند.

ک یکی از تلخ‌ترین و در عین حال تأمل‌برانگیزترین ابعاد جنگ ۱۲روزه و سپس جنگ ۴۰روزه، مسئله برتری هوایی و تسلط عملیاتی آمریکا و اسرائیل بر آسمان کشور بود؛ به‌گونه‌ای که در اکثر موارد، زخمی و مکان حملات توسط اسرائیل از پیش تعیین و اعلام می‌شد و حتی شش‌انگاره‌های نظامی با خروج غیرنظامیان نیز ضاردمی‌شد. آیا این وضعیت را باید نشانه‌ای از ضعف ساختاری در نیروی هوایی، پدافند هوایی، سامانه‌های هشدار زودهنگام، شبکه فرماندهی و کنترل و توان کشف و رهگیری کشتور دانست یا آنکه عوامل دیگری در شکل‌گیری این وضعیت نقش‌آفرین بوده‌اند؟ مهم‌تر آنکه جنگ ۱۲روزه و جنگ ۴۰روزه چه تصویری از نقاط ضعف و قوت واقعی قدرت هوایی ایران در اختیار ما قرار می‌دهند؟

طبیعی است که ایران و آمریکا دو قدرت نام‌تراز در حوزه نظامی هستند. بودجه نظامی سالانه آمریکا حداقل صد برابر ایران است. اسرائیل هم که جزئی از پیکره آمریکاست، اما در عین حالی که آمریکا مدعی است تمامی توان هوایی و قدرت پدافند هوایی و دارای ایران را منهدم کرده، ولی قبول دارد که ۳۹ فروند هواپیمای نظامی آن ازجمله جنگنده‌های F15، F18، F35 و هواپیماهای سوخت‌رسان و C130 در جریان جنگ منهدم شده یا آسیب دیده‌اند. بنابراین مشخص است که ایران توانسته تاکتیک‌ها و شیوه‌هایی را برای مقابله با نیروی هوایی دشمن پیدا کند. به هر حال موازنه قوا در ترکیبی از توان موشکی، قدرت هوایی و پدافند هوایی، توان سایبری و قدرت پهپادی و قدرت ژئوپلیتیکی و نیز تمرکز بر ضعف‌های دشمن برقرار می‌شود. همین حالا تنگه

هرمز مهم‌ترین قدرت ژئوپلیتیکی ایران است که نقش مهمی در موازنه تهدید برقرار کرده است.



ادامه در صفحه ۴